

پسیانه سرداری تنها

۲۰ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۰۳

تاریخ ایران از مشروطه تا به قدرت رسیدن رضاخان از پرحادثه‌ترین حوادث دوران تاریخ ایران است. از یک سو پیامد مشروطه هرج و مرج و از میان رفتن امنیت عمومی بود و از سوی دیگر افزایش غیرقابل تصور مداخلات بیگانگان. تا جایی که در قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ عملاً ایران بین روسیه و انگلیس تقسیم شد و در پی انقلاب اکتبر روسیه این انگلستان بود که در سراسر ایران فرمانفرمایی می‌کرد. در این برهه پرتلاطم حرکت‌ها و خیزش‌هایی توسط ایران دوستانی به وقوع می‌پیوست که هدف نهایی آنها نجات ایران از این وضعیت نابهنجار بود.

در همین دوران، نهضت میرزا کوچک خان جنگلی، قیام رئیسعلی دلواری و شیخ محمد خیابانی به وقوع پیوست که روندی دو سویه ضد استبدادی علیه وابستگان داخلی عوامل خارجی داشت یا آن که به مبارزه علنی و آشکار با قدرت استعماری انگلیس می‌پرداخت. در این میان، حرکت محمدتقی خان پسیان در خراسان به جهت شخصیت وی و همچنین اقدامات قوام‌السطنه ویژگی‌های قابل بحثی دارد.

محمدتقی خان پسیان بر این باور بود که با به دست گرفتن قدرت به انجام اصلاحات بپردازد و از این طریق به آبادی و احیای هویت ایرانی کمک کند. پسیان از یک خاندان غیور ایران دوست بود که پس از جدایی دل‌گداز قفقاز از ایران، تبعیت از روس‌ها را نپذیرفته و به آذربایجان مهاجرت کرده‌اند اسلاف وی همگی از افسران ارتش ایران بودند که شهدایی چون علیقلی و غلامرضا در نبرد با انگلیسی‌ها در شیراز تقدیم ایران کرده‌اند.

سال ۱۳۰۹ قمری در محله سرخاب تبریز، طفلی پا به عرصه وجود نهاد که محمدتقی نامیده شد. پدرش یاورمحمدباقرخان پسیان از ایلات کرد منطقه و مادرش فاطمه‌سلطان عزت‌الحاجیه از همان کودکی در تربیت فرزند کوشیدند.

وی تحصیلات ابتدایی خود را در تبریز به پایان برد و در سال ۱۳۲۴ قمری تکمیل درس به تهران آمد و وارد مدرسه نظام شد. او در سال ۱۳۲۹ با درجه نایب دومی وارد خدمت شد و مدارج ترقی را یکی بعد از دیگری پیمود. سال ۱۳۳۱ قمری وارد مدرسه صاحب‌منصبان ژاندارمری شد و در سال ۱۳۳۲ قمری در جنگی که با الوار در بروجرد داشت، شجاعانه جنگید.

اوج شهرت و آوازه ایران‌دوستی پسیان در خلال جنگ جهانی اول و مبارزات او علیه اشغالگران روسی بود. ابوالفتح مومن در کتاب

«انقلاب اسلامی در همدان»، شرح مفصلی از مبارزات او را درمقابله اشغالگران ایران آورده است.

همچنین به مقاومت جانانه نیروهای ملیون که در راس آنها ژاندارم‌های تحت امر کلنل محمدتقی خان بودند، پرداخته است...هرچند در واقعه همدان شکست برای روس‌ها سنگین بود، ولی خود سرآغاز و مقدمه اعزام قوای عظیم آنان به سوی غرب ایران شد.

روس‌ها پس از این شکست با قوای ۴۰۰۰ نفری به سوی همدان روانه شدند، اما آنها در ۲۵ محرم ۱۳۳۴ قمری با قوای مردمی و ژاندارم‌ها به فرماندهی یحیی خان سلطان، محمدتقی پسیان و نصرالله خان سلطان، نرسیده به همدان درگرفته آوج درگیر شدند و از این نیروها شکست خوردند، و ناچار به سمت قزوین عقب نشستند.

در این جنگ و نبردهای بعدی، وی از خود شجاعت بسیار نشان داد؛ به طوری که آوازه‌اش در جنگ با روس‌ها حتی به خارج از ایران رسید. به‌رغم تلاش‌های ملیون و شخص پسیان، نبود تجهیزات و نیروی کافی روس‌ها، آنها را مجبور به عقب‌نشینی کرد. او پس از عقب‌نشینی ملیون به عثمانی، ناچار به آلمان رفت. در مدتی که وی در آلمان بود، خلبانی را آموخت. در کتاب «قیام کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان» تصویری از وی با لباس هوانوردی درج شده است.

پس از بازگشت به ایران در دولت مشیرالدوله به خدمت در ژاندارمری فراخوانده شد و به فرماندهی ژاندارمری خراسان منصوب شد و در این دوره از خدمت بود که کودتای سید ضیاءالدین طباطبایی روی داد و به دستور دولت، والی را که قوام‌السلطنه بود، بازداشت و به تهران اعزام کرد. وی بعد از قوام کفالت خراسان را به عهده داشت ولی دیری نپایید که قوام از زندان آزاد و به نخست‌وزیری رسید. با چنین حادثه‌ای پسیان از عاقبت خود اندیشناک شد و در اقدامی پیشدستانه با عزل والی، اداره حکومت خراسان را به عهده گرفت و با حمایت او حزب ملی در خراسان تشکیل شد.

در مرداد ۱۳۰۰ شمسی، دولت بار دیگر صمصام‌السلطنه بختیاری را به حکومت خراسان منصوب کرد و صمصام‌السلطنه نیز برای دلجویی یا فریب کلنل محمدتقی خان پسیان با آگاهی از محبوبیت و نفوذ او در خراسان، وی را طی حکمی به کفالت ایالت خراسان منصوب و با او مدارا کرد. اما در اواخر مرداد ۱۳۰۰، قوام‌السلطنه با کلنل علنا مخالفت و به او پیشنهاد کرد که تحت شرایط زیر کشور ترک کند:

۱ - کلنل حقوق ۲ ساله خود را برداشته ، به اروپا مسافرت کند.

۲ - محاسبات را ظرف ?? روز بسته و امور ایالت را به تولیت آستانه واگذار کند.

? - به تمامی افسران ژاندارم و اهالی محل دولت تأمین دهد.

? - از طرف دولت به قوای ایلیات توصیه خواهد شد که با کلنل مدارا کرده و او را به سرحد برسانند.

اما کلنل این پیشنهادها را نپذیرفت و قوام طی تلگرافهایی برای حاکمان و خوانین منطقه، کلنل را یاغی و متمرّد خواند و دستور شورش علیه او را صادر کرد. به این ترتیب سردار معزز والی بجنورد، شجاع‌الملک رئیس ایل هزاره، شوکت‌السلطنه و سیدحیدر رؤسای طوایف سریری و سالار خان بلوچ برای جنگ با کلنل بسیج شدند.

قوام‌السلطنه پسیان را یاغی دولت معرفی کرد و با تحریک عشایر و قبایل محلی، نبردی سخت برای سرکوبی پسیان و قوای تحت‌امرش آغاز شد که نتیجه نبرد، قتل وی بود. در ۱۰ مهر ۱۳۰۰، سر از پیکر بی‌جان او جدا شد. عارف قزوینی در مرثیه‌ای برای سر بریده او سروده است:

این سر که نشان سرپرستی‌ست

امروز رها ز قید هستی‌ست

با دیده عبرتش ببینید

کاین عاقبت وطن‌پرستی‌ست

سرانجام جسد او را طی تشییعی باشکوه در مشهد مقدس در مقبره نادری دفن کردند.

پس از چند روز به دستور قوام‌السلطنه، قبر او را شکافتند و جنازه‌اش را در قبرستان سراب مشهد بدون هیچ نشانه‌ای دفن کردند. با این حال در دوره ایالت نظام‌السلطنه مافی در خراسان، وی با هزینه شخصی سنگ مزاری شایسته بر تربت وی تدارک دید که این سنگ مزار هم در حمل و نقل دوتکه شد. سنگ مزبور را نیز مانند سر و بدن صاحبش به یکدیگر ملصق و روی قبر آن مرحوم قرار دادند.

پاورقی:

۱. انقلاب اسلامی در همدان، ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰

۲. تهران بنگاه مطبوعاتی صفیعلیشاه، چاپ هشتم، ۱۳۶۸، ص ۱۷۸.

۳. برای اطلاع از نحوه شهادت کلنل محمدتقی خان پسیان رک به: درباره قیام ژاندارمری خراسان به کوشش مهرداد بهار، تهران معین، ۱۳۶۹.

و انقلاب خراسان مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۰۰ شمسی به کوشش کاوه بیاتتهران موسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۰.

و نیز شرح حال کلنل محمدتقی خان پسیان به قلم چند نفر از دوستان و هواخواهان آن مرحوم ت، تهران، انتشارات سحر، چاپ دوم ۱۳۵۶.

۵. همان ص ۱۱۰.

منبع: جام جم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۷۷۳/تنها-سردار-پسیان>